

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب دیده شود.



روش امریکایی‌ها برای نانمنی

مسلم معین توثیت کرد: انفجار در افغانستان را دیدید؟ روش امریکا و صهیونیست‌ها با معاونت عربستان و امارات برای ایجاد نانمنی، ترور و تجزیه یک کشور‌های هدف و مخصوصاً محور مقاومت متفاوت است. در افغانستان و سوریه با داعش استفاده می‌کنند و در ایران از رسانه و سلبریتی‌ها هدف یکی است. #بهرخورد_قاطع



ایران، سوریه نیست!

علی عزیزاده در توثیتی نوشت: راست می‌گفتند، ایران سوریه نیست. در سوریه چند ماه طول کشید تا کار به کشتن پلیس برسد. در ایران همان هفته اول پلیس آتش زده شد. در سوریه چند سال طول کشید تا این صحنه‌ها را در حلب ببینیم. در زاهدان بعد از فقط دو هفته دیدیم. راست می‌گفتند، ایران سوریه نیست، بلکه می‌تواند خیلی بدتر باشد.



همینقدر زرنگ!

مهدی قاسم‌زاده در توثیتی بااشاره به رفتارهای اخیر سران امریکایی نوشت: از یکسو مانند دولت‌های قبل‌شان (حتی در پخویه مذاکرات)، مدام دست به‌اعمال تحریم (به بهانه‌های مختلف) می‌زنند و سوی دیگر مدعی‌اند که نمی‌توانند درباره عدم خروج دولت‌بعدی‌شان از برجام تضمین بدهند؛از قرار معلوم این جماعت انتظار دارند ایران هم ندلوم تحریم‌ها را بپذیرد،هم دوباره چوب حراج به دашنه‌های هسته‌ای خود بزند و هم بدون تأمین منافعش، کمک‌به عبور خرشان از پُل وضع موجود کند! #همینقدر_زرنگ



تعطیلی رادیو کمکه

مهدی جهان تیغی توثیت کرد:اعلام کردند رادیو بی‌بی‌سی فارسی به علت مشکلات مالی تعطیل می‌شود!اول این رادیو دیده مثل کارکرد و اثر نداشت دوم؛ با کمک آل سعود قیل قل به اسم ایران اینترنت‌نشان درست کردند سوم هم اینکه انگلیس خبیث در بدترین شرایط مالی، یک پوند از بودجه اقدام رسانای علیه ایران را کاهش نمی‌دهد.

گایبران

دوشنبه ۱۱ مهر ۱۴۰۱ | ۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ | ||||| روزنامه جوان |شماره ۶۵۸۹



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تصاویر برهنگی نیلوفر فولادی در اعتراضات هلدن

می‌دانید چقدر گرفت بالاخره که لخت بشه؟!

برهنه شدن نیلوفر فولادی در تجمع اعتراضی چندین نفره در هلدن که به بهانه حمایت از اعتراضات تهران در پی قوت خانم مهسا امینی تشکیل شده بود، با واکنش‌های منفی بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران معتقد بودند فولادی با این حرکت خیلی زود انتهای سوء استفاده‌ها از مطالبات برخی معترضان را نشان داد و

■ عطیه نجاری:

وقتی مجبوری به‌خاطر رعایت قوانین کشور میزان روی سینه‌هات بر چسب بزنی و همزمان به قوانین کشور خود معترض باشی یک معنی بیشتر ندارد. اینها فقط به قوانین حاکم بر ایران معترضند و گر نه قانون را هر کجای جهان باشد بی چون و چرا می‌پذیرند.

■ امیرحسین ثابتی:

هنوز هم کسی هست باور نکند که خواسته این جماعت مبارزه با حجاب و روسری نیست، بلکه می‌خواهند لخت مادرزاد به خیابان بیایند؟ کسی که در این فیلم لخت شده، یکی از کسانی است که چند سال قبل در تهران روسری از سر برداشته بود و به اسم دختر خیابان انقلاب مطالبه‌اش مبارزه با حجاب بود!

■ احمددستاران:

می‌دونید چرا کامل لخت نشده؟ به‌خاطر قانون حجاب اجباری هلند. در هلند برهنگی کامل جرم است. پلیس هم با مجرم برخورد قانونی و در صورت مقاومت، برخورد خشن می‌کند. **سیدعلی موسوی:** رفتار اپوزیسیون خارج‌نشین اثبات کرد «زن، زندگی، آزادی» صرفاً یک شعار پوچ و تو خالی است. **فاطمه سادات:** چرا اینایی که این چندروز برای شعار زن، زندگی، آزادی لخت شدن چسب رو سینه‌شون زن؟ «عه چون قانونه و نباید کسی لخت مادرزاد بیاد بیرون؟»خیلی غلط کردن هموطن‌بپاخیزبا شعار «نه به برچسب اجباری روی سینه» **علیرضا شیرازی:** این نیلوفر فولادی که در حرکت اعتراضی



سربازی و... در جمله دیگر اعتراضات همین ایام بود که در اخبار هم آمد البته در فقره معلمان، وقتی پای سروسیس امنیتی فرانسه باز شد، این قسمت محل ورود نیروی امنیتی شد ولی ادامه پیگیری مطالبات معلمان برقرار ماند. اعتراض، حق است و جمهوری اسلامی آن را به رسمیت می‌شناسد. کما اینکه رهبری در دیدار کارگران اردیبهشت امسال فرمودند: «یک مواردی اتفاق افتاده که کارگران اعتراض داشتند، اعتراض‌شان هم بحق بوده؛ بنده که دنبال می‌کنم مسائل را می‌دانم ا در مواردی اعتراض کارگرانی که جمع شدند، اعتراض



کسب‌وکاری کوچک اما خوش بازده

مهران محمدی در توثیتی نوشت: ۲۵ میلیون تومان برای یک جوان خوشفکر یک کافه سه خرچه زیبا ایجاد کردیم. متوسط فروش روزی ۱۰۰ عدد قهوه، روزی ۶۰۰ هزار تومان سود. بازم بگید این نوع کسب و کارها به درد نمی‌خوره؟!

محمد گودرزی در توثیتی نوشت:الگوی «هندسی قتل» در رفتار گرابی، با مهندسی «شناخت» و «عواطف» در نورفتار گرابی امتداد یافت؛ با این الگو، می‌توان فروپاشی جامعه را در روان افراد تسهیل کرد تا با تروریست‌های اجارهای همذات‌پنداری کنند و آتش را گلستان ببینند...



گرگ قطبی شبیه‌سازی شد

کانال تلگرامی «دورنمای اقتصاد» درباره یک دستاورد بزرگ علمی برای جلوگیری از خطر انقراض برخی حیوانات اطلاع‌رسانی کرد. در پست این کانال آمده: اولین تصاویر این گرگ شبیه‌سازی شده، ۱۰۰ روز پس از تولد در آزمایشگاه ژنتیکی مستقر در یکن به نمایش در آمد. دانشمندان

چینی اولین گرگ وحشی قطب شمال را شبیه‌سازی کردند. این گرگ «هایا» نام دارد. به گزارش عصر ایران به نقل از «پندیا اکسپرس»، شبیه‌سازی این گرگ که بومی منطقه «توندر» قطب شمال» است، دستاورد بزرگی در حفاظت از گونه‌های کمیاب و در معرض خطر از طریق فناوری محسوب می‌شود. توندرا ی قطب شمال یکی از جزایر ملکه الیزابت دوم در کانادا محسوب می‌شود. «سی جیدونگ» مدیر عامل شرکت بیوتکتولوژی سینیون در این باره گفت: برای نجات این گونه در حال انقراض، همکاری تحقیقاتی خود را ۲۰۲۰ با پارک ملی «هارپین پولارلند» (چین) آغاز کردیم. اولین تصاویر «هایا» – گرگ شبیه‌سازی شده قطب شمال– ۱۰۰ روز پس از تولد در آزمایشگاه ژنتیکی مستقر در یکن به نمایش در آمد. این اقدام نقطه عطفی در پرورش حیوانات نادر و در معرض انقراض محسوب می‌شود. انتظار می‌رود نمونه شبیه‌سازی شده دیگری از این گرگ به زودی به نمایش در آید. مایا در سلامت کامل است.

ضربات دردناکی که امریکا در پایگاه تروریست‌ها خورد

محمد ایمانی در کانال تلگرامی خود نوشت: ایران با موشک، پهپاد و توپخانه، مقر گروه‌های تروریستی را که اقدام به جنایت در شهرهای مرزی کردستان کرده بودند، درهم کوبید، اما ظاهراً، فراتر از تروریست‌ها، حملات دقیق ایران به بر چک امریکا خورده است. معاون سخنگوی وزارت خارجه امریکا

ضمن محکوم کردن دفاع مشروع ایران گفت: «تأیید می‌کنیم یک شهروند امریکایی، در نتیجه حمله موشکی به کردستان عراق کشته شد. اما به خاطر ملاحظات، نمی‌توانم جزئیات بیشتری ارائه بدهم.» این فرد در پایگاه گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریست، به غلطی می‌کرد؟! هیچ فرد عادی یا گردشگری نمی‌تواند به عمق پایگاه تروریست‌ها راه پیدا کند. امریکایی کشته شده، طبیعتاً از افسران و فرماندهان سازمان سیا یا پنتاگون بوده و در طراحی اقدامات تروریستی اخیر، ایفای نقش می‌کرده است. به همین دلیل هم سخنگوی امریکایی حاضر نشده است هویت و جزئیات فعالیت فرد کشته شده را افشا کند. در همین حال امریکایی‌ها می‌گویند یک پهپاد مهاجر ۶ را که به سمت اربیل می‌رفت، سرنگون کرده‌اند. ایران با دقت و موفقیت تمام با ۷۲ فروند موشک و دهها پهپاد انفجاری، پایگاه‌های تروریست‌ها را درهم کوبید. گفته می‌شود حداقل ۷۰ تروریست در این عملیات به هلاکت رسیده و بالای صد تروریست زخمی شده‌اند. اهداف منهدم شده در ۴۲ نقطه پراکنده بوده و بعضاً دهها کیلومتر از هم فاصله داشته‌اند. امریکادر این میان ادعای کند نواسته است یک پهپاد را هدف قرار دهد. این سرشکستگی چندلایه برای واشگنگتن است که افسر ارشدش در کنار تروریست‌ها بوده‌باشد و در عین حال نتواند از اشرار جنایتکار در برابر پهپادها و موشک‌های قدرتمند ایران حمایت کند. نوبت قیل کم که ایران پایگاه بزرگ وابسته به موساد را در نزدیکی پایگاه امریکایی‌ها در اربیل درهم کوبید، رادارها و پدافند امریکانوتوانست از مز دوران مוסاد حفاظت کند. خطب تروریست‌ها در اعتماد به سیا و موساد و بیرون آمدن از سوراخ، فرصت بی نظیری برای ایران بود که سر مار را درهم بکوبد. امریکایی‌ها هنوز از بزرگی و اهمیت فرصتی که برای درهم کوبیدن تروریست‌های تجزیه‌طلب در آن سوی مرز فراهم کردند، خبر ندارند.



ویرانی طلب «دل‌سوز» نمی‌شود

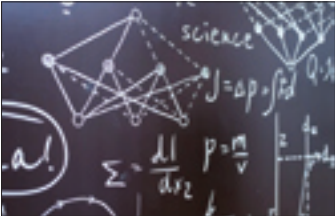
علی نصری در کانال تلگرامی خود نوشت: همان افراد، جریان‌ها و رسانه‌هایی که با همکاری و همراهی با سیاست «فشار حداکثری» و سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ کوشیدند تا جان مردم را به لبشان برسانند تا از فرط فقر، رنج، فشار اقتصادی به خیابان‌ها بیززند، امروز «غم‌خوار» مردم ایران شده‌اند و دل‌ دروا و امریکا سرود «یار دبستانی» و «پلا چاو» می‌خواند تا رنگ و لعابی رمانتیک بر «جنگ داخلی» مورد هدفشان بکشند. «تحلیلگران» شان در شبکه‌های فارسی‌زبان، مدام نوجوان‌های دهه هشتادی را «شجاع» تر، «هت‌رس» تر و «جسور» تر از نسل‌های پیشین می‌خوانند تا غرور جوانی‌شان را تحریک و آنها را به درگیری خشونت‌آمیز با نیروهای امنیتی حرفه‌ای و مسلح نماینده‌فالن سیاسی‌شان می‌کوشند تا تانشن‌ها و حساسیت‌های قومی را تحریک کنند تا نعره‌ای را نیز از این طریق به صحنه نبرد بکشانند و خبرنگاران‌شان با ادبیاتی که مخصوص «جنگ داخلی» است و در مورد سوریه و لیبی به کار می‌برند، در گزار شاتشان مدام از «سقوط» فلان شهر و «آزاد» شدن فلان منطقه و «تسخیر» فلان پایگاه سخن می‌گویند.

به راستی اینها چقدر غم‌خوار مردم ایران هستند؟ «پلا چاو» می‌خواند تا این اپوزیسیونی که امروز در پاریس، برلین، تورنتو، واشنگتن و نیویورک تجمع می‌کنند تا «صدای» مردم ایران را به گوش «جهان» برسانند، چند بار در همه این سال‌ها وقتی «جهان» شان از طریق تحریم‌هایی که خود سیاستمداران امریکا «خردکننده»، «فلج‌کننده» و «وحشیانه» توصیف می‌کردند تا مردم ایران را به قول برابن هوک به نمایش بگذارند، علیه این جنایت بزرگ کوچک‌ترین تجمعی در خارج از کشور بر گزار کردند؟

چند بار «صدای» بیماران سرطانی و کودکان پروانه‌ای کشورشان شدند که بر اثر تحریم‌ها از کمبود دارو پر می‌زدند و جان می‌آبخند؟ چند بار خواننده‌های مشهور ایرانی خارج از کشور علیه جنایت تحریم کنسرت اجرا کردند؟ چند بار هنرمندشان طرح، پوستر و شعر در اعتراض به سیاست «فشار حداکثری» تولید کردند تا رنج ناشی از تحریم‌ها را به نمایش بگذارند؟ در انتها هیچ اعتراضی به این جنایت بزرگ نکردند که در اوج پندمی کرونا، هنگامی که برخی از خود‌نماینندگان کنگره امریکا از دولتشان خواستار تعلیق موقت تحریم‌ها علیه ایران شدند، این هموطنان دل‌سوز دست به قلم بردند، کمپین را انداختند و با تقاضای اعفای کنگره به شدت مخالفت کردند و از زبان ملایر خواستار کدام و تشدید تحریم‌ها شدند! واقعیت این است که اینها از رنج مردم ایران ارتزاق می‌کنند و فریه می‌شوند. اجازه ندهیم این جریان ویرانی طلب برای اعتراضاتی که مردم داخل کشور علیه هر گونه خشونت فیزیکی، روانی و لفظی آغاز کردند «روایت» بنویسند، «شمار» تعیین کنند و به سمتی که خودشان می‌خواهند – و جز رنج بیشتر و ویرانی کامل نیست – جهت بدهند.

تفسیری از مکانیک کوانتوم که مشهور نشد

کانال تلگرامی «انیشیتین چی میگه؟» نوشت: یکی از تفسیرهای مکانیک کوانتومی که خیلی‌هم مشهور نشد تفسیر بوهمی یا تفسیر فیزیکدان امریکایی، دیوید بوهم است. از نظر دیوید بوهم، اشیا و ذرات در هر لحظه از زمان، مکان قطعی دارند چه کسی در حال مشاهده آنها باشد، چه نباشد. در مکانیک بوهمی ذرات، فقط ذرات هستند نه چیزی خارق‌العاده یا بیشتر. اما نکته این است که این ذرات از طریق امواج هدایتگر (pilot waves)، حرکشان را انجام می‌دهند. ذرات در امتداد امواج هدایتگر، توسط حرکت آنها هدایت می‌شوند. در این تفسیر، اصل عدم قطعیت همچنان برقرار است و هرچقدر درباره مکان یک ذره بیشتر بدانیم، اطلاعاتمان درباره سرعت آن کمتر می‌شود اما از نظر بوهم این تنها محدودیت در اطلاعاتی است که دنیای کوانتومی مایل به عرضه کردن به ماست و ویرای این محدودیت، یک ذره همواره مکانی قطعی دارد. در تفسیر بوهمی، با توجه به اینکه تأثیر مشاهده‌گر روی ذره مورد مشاهده، تغییری در وضعیت آن ایجاد نمی‌کند، پاسخ معمای گریه شرودینگر هم بسیار ساده است، یعنی تا قبل از مشاهده، گریه با زنده است یا مرده و خبری از گریه به زنده و هم مرده نیست. در حقیقت در تفسیر بوهمی بسیاری از اسرار و رموز موجود در دنیای کوانتومی، رخت‌در می‌بینند. در این تفسیر اصل عدم قطعیت هاینزبرگ، ناشی از محدودیت‌هایی است که دنیای کوانتومی برای عرضه اطلاعات به ما دارد، اما در واقعیت اتفاقی که می‌افتد این است که هر ذره در هر لحظه‌ای مکان قطعی دارد، در صورتی که در تفسیر کپنهاگی اصل عدم قطعیت ناشی از رفتار ذاتی طبیعت است.



وقتی آتش را گلستان می‌بینند

محمد گودرزی در توثیتی نوشت:الگوی «هندسی قتل» در رفتار گرابی، با مهندسی «شناخت» و «عواطف» در نورفتار گرابی امتداد یافت؛ با این الگو، می‌توان فروپاشی جامعه را در روان افراد تسهیل کرد تا با تروریست‌های اجارهای همذات‌پنداری کنند و آتش را گلستان ببینند...